



احیای دین

گفتگو با جان ال اسپوزیتو

گرایش مدت کوتاهی پس از کنفرانس اسقفهای کاتولیک سال ۱۹۶۸ در مدین پدیدار شد که اندیشه شورای دوم واتیکان را بازتاب می‌داد. پیام این کنفرانس که بار دیگر در سال ۱۹۷۹، در کنفرانس اسقفهای کاتولیک در پوئبلا تأیید شد، بیانگر «انتخاب ارجح مسیحیت برای فقیران» بود. این گرایش همراه شد با ارزیابی مجدد نقش غیرمذهبیها و تأکید بیشتر بر مناسبات کلیسا با جهان، بویژه در مورد مسئله عدالت اجتماعی و برابری. در اروپای شرقی نیز کلیسای مسیحی در سقوط کمونیسم و ظهور دموکراسی نقشی قطعی داشت.

در سریلانکا از یک دهه پیش بدین سو، درگیری میان بوداییهای سنگالی و هندوهای تامیل پیامدهای فاجعه‌بار داشته است. دولت غیرمذهبی هند نیز با درگیریهای فرقه‌ای اغلب شدیدی مواجه بوده است که در ملی‌گرایی مذهبی ریشه دارند. رویارویی میان مسلمانان و هندوها پس از محاصره مسجد بامبری که به ادعای هندوها در یک مکان

■ رواج دوبارهٔ مذهب یکی از پدیده‌های بارز عصر ماست که در سالهای اخیر تأثیرهای قابل‌ملاحظه‌ای بر فرهنگ و توسعه داشته است. این پدیده از چه زمان آغاز شد و در چه بخشهایی از جهان بیشتر رایج است؟
— انقلاب اسلامی ایران در سالهای ۱۹۷۹-۱۹۷۸ تیلور آشکار فرایند رواج دوبارهٔ اسلام بود، فرایندی که بیش از یک دهه در شماری از کشورهای اسلامی به چشم خورده بود. اسلام، پس از انقلاب اسلامی، در توسعهٔ سیاسی و اجتماعی شماری از کشورها جایگاهی اساسی یافت، حال چه به صورت جریانهایی که با شدت عمل قصد سرنگونی یا بی‌ثباتی دولتهای حاکم را داشتند و چه به صورت جریانهای میانه‌روتری اسلامی که می‌کوشیدند با فعالیت اجتماعی و سیاسی خود جامعه را دوباره اسلامی کنند.

در امریکای لاتین، الهیات آزادیخواه کاتولیک تلاشهایی را برای انجام اصلاحات سیاسی و اجتماعی آغاز کرد. این

بی‌عدالتی اغلب پیروان را به سمت مکانهای مذهبی رهنمون می‌سازد از متون مقدس، تفسیری نو به منزله پاسخی برای رهایی از شرایط گریزناپذیر آنان ارائه می‌شود.

■ **این احیای مذهب بر چه پایه‌ای استوار است؟**
— به‌طور کلی سخنگویان این گرایشها ادعای اصلاح جامعه را با برقراری مناسباتی عادلانه‌تر و برگرفته از اصول مذهبی، دارند. آنان از آزادی، برابری و عدالت اجتماعی سخن می‌گویند و خود را مدافع فقیران و ستم‌دیدگان می‌دانند. اغلب این بی‌عدالتی است که پیروان را به سمت مکانهای مذهبی، چه مسجد و چه کلیسا، رهنمون می‌سازد. در این مکانها از متنهای مقدس، تفسیری نو به‌منزله پاسخی برای رهایی از شرایط مایوس‌کننده و گریزناپذیر آنان ارائه می‌شود. در برخی از کشورها، اسلام‌گرایان مجموعه‌ای از خدمات رفاهی و اجتماعی را ارائه می‌دهند. الهیات آزادی‌بخش کاتولیک نیز پیش از هر چیز پاسخی است به سرنوشت نابسامان و پرمخمسئله محرومان امریکای لاتین.

■ **پس گرایش به احیای مذهب گویای واکنش طرفداران توسعه است، کسانی که به جهان تکنولوژی مدرن و انقلاب ارتباطات پشت کرده‌اند؟**
— بیشتر بنیادگرایان ادعا می‌کنند که میدان را خالی نکرده‌اند بلکه تلاش می‌کنند که پیام و رسالت اصیل پیامبران و کتابشان را از نو بیان کنند چه این رسالت با گذر زمان و هجوم لایبیک‌گرایی مدرن دستخوش تحریف شده است. آنان مسئولیت این وضع را به گردن استعمارگرایی و حکومتهای استبدادی جانشین آن، خودمحموری سرآمدان و حتی روحانیت بانی مذهبی خستی و بی‌طرف می‌اندازند.
بدین ترتیب این جنبشها می‌توانند شماری از روشنفکران و متخصصان، از جمله آموزگاران، مهندسان، حقوقدانان، دانشمندان، بوروکراتها و کارگزاران را جذب کنند. رهبران این جنبشها فارغ‌التحصیل رشته‌های پزشکی، مهندسی یا علوم‌اند و بر تکنولوژیهای مدرن ارتباطی همچون رادیو، تلویزیون، نوارهای شنیداری یا دیداری، کامپیوتر و فاکس تسلط دارند و از این رهگذر می‌توانند حمایت توده‌ها را سازمان دهند و بسیج کنند و پیام سیاسی و اجتماعی و مذهبی خود را منتشر سازند.

بنابراین، تکنولوژی و ارتباطات صرفاً در خدمت ترویج فرهنگ مدرن و غیرمذهبی نیست بلکه به انتشار پیامهای مذهب احیا شده نیز یاری می‌رساند. امروزه حتی در دورافتاده‌ترین روستاها نیز روستاییان دیگر صرفاً تحت تأثیر رهبران محلی خود نیستند بلکه تلویزیون و نوارهای شنیداری و دیداری به آنها امکان دریافت هرگونه پیام و تفسیرهای گوناگون از ایمان و اعتقادهایشان را داده است. بنابراین، مدرن شدن ناخواسته محرکی برای احیای گرایشهای مذهبی در سطح جهان شده و پیشرفت تکنولوژیک به بازگشت قدرتمند مذهب به صحنه جهانی یاری رسانده است.

مذهبی متعلق به هندوها بنا شده بود، و نیز اختلاف بر سر حقوق خانواده، موجب بالاگرفتن تنش میان این دو جمعیت شد. در جنوب فیلیپین، فرقه‌های نظامی مسلمان، خواهان استقلال از حکومت مسیحی حاکم هستند. در جمهوریهای شوروی سابق نیز گرایشهای ملی‌گرای اسلامی در آسیای میانه، به موازات جنبشهای سیاسی - مذهبی کلیسای ارتدوکس روس، سر برآورده است.

همه اینها گواه توان قدرتمند مذهب بویژه در کشورهای درحال توسعه است. این پدیده گویای تزلزل بسیاری از دولت‌های ملی و نشاندهنده مسئله هویت و مشروعیتی است که بی‌ثباتی بسیاری از دولت‌ها را موجب شده است.

■ این جنبشها به چه شکل ظاهر می‌شوند؟

— این جنبشها تلاش می‌کنند که خود را به منزله جمعیتی درون جمعیتی دیگر و جامعه‌ای عدالتخواه درون جامعه‌ای گسترده‌تر و ناعادل تعریف کنند. آنها اغلب جنبشهایی مردمی‌اند و توسط سازمانهایی هدایت می‌شوند که از دل مردم برخاسته‌اند و نه از میان مقامهای رسمی یا نهادهای مذهبی. این سازمانها آگاهی نوین مذهبی را همراه با حسی از هویت و رسالت شکل می‌دهند. آنها از اعتقادات و آیینهای مذهبی تفسیری نو ارائه می‌دهند تا به این خواست دوگانه، یعنی تضمین رستگاری در جهان دیگر و ایجاد بهترین شرایط زندگی در همین جهان پاسخ دهند.

■ چرا این پدیده عمدتاً در کشورهای درحال توسعه دیده می‌شود؟

— آن جهان نوین و بهتری که نخبگان نوگرا و کارشناسان توسعه نوید داده بودند، برای بسیاری تحقق نیافت. درحقیقت، دولت ملی مدرن با لایبیک‌گرایی و مصرف‌زدگی فردگرایی بی‌حد و حصرش، نظم اجتماعی‌ای را به وجود می‌آورد که در آن نیازهای اکثریت تابع نیازهای اقلیت ممتاز است. توزیع نابرابر ثروت، فساد و بیکاری و کمبود مسکن، دیگر به واقعتهای روزمره بدل شده‌اند. فرایند مدرن شدن و شهرنشینی در شهرهای بسیار پرجمعیت، موجب بروز نابسامانیهای اجتماعی و آسیبهای فرهنگی، رشد قارچ‌گونه حلیب آبادها و زاغه‌های محرومانی با امیدهای سرخورده، و نیز گسست خانواده در دل شهرهایی شده است که در آنها شیوه‌هایی از زندگی «بی‌بندبار و ناآشنا» رواج دارد.

توسعه کشورهای جهان سوم برپایه نظریه‌ای از مدرن کردن استوار است که توسعه را با لایبیک و غیرمذهبی کردن و غربی کردن تدریجی جامعه یکی می‌داند و مذهب را یکی از عوامل عقب‌ماندگی سیاسی و اجتماعی به‌شمار می‌آورد، عاملی که باید در برابر نیروهای پویای علم و تکنولوژی از صحنه به در شود. این پیشرفت و مدرنیزه کردن در نهایت نه فقط به سود اقلیتی از سرآمدان جامعه تمام شد بلکه از همه مهمتر مذهب‌زدایی در نهادها و اداره‌ها، به این سادگیها منجر به دنیوی شدن ذهنیتها و فرهنگ نشد.

جان ال. اسپوزیتو،
JOHN L. ESPOSITO
از ایالات متحد، استناد
سیاست بین‌المللی وسایل مذهبی در
دانشگاه جورج تاون.

■ آیا می‌توان امیدوار بود که میان مدرن‌گرایان غیرمذهبی و اصلاح‌گرایان مذهبی سازش و آشتی برقرار شود؟ آیا میان آنان نقطه‌های مشترکی وجود دارد؟

— کم بها دادن به استمرار و قدرت احساسات مذهبی و نقش آن به منزله سرچشمه هویت و همبستگی موجب شده است که شماری از مدرن‌گرایان امکان گفتگویی فرهنگی (گفتگویی دشوار اما ثمربخش) میان این دو برداشت را نادیده بگیرند. اما به اعتقاد من، ناسازگاری میان مذهب و مدرن‌گرایی و دموکراسی وجود ندارد. تاریخ گواه نمونه‌های بسیاری از انعطاف‌پذیری و عدم انعطاف مذهب است. گذار از فئودالیسم و تک‌سالاری حقوق الهی به نهادهای سیاسی و اقتصادی مدرن در غرب چندین سده به طول انجامید؛ واکنش مذهبی نیز در برابر مدرن شدن چندین سده زمان برد.

از همین‌رو باید پذیرفت که فرایند کنونی مدرن شدن سیاست، جامعه و مذهب، فرایندی باز و ناکامل است. همان‌گونه که نمی‌توان موفقیت‌های دولت ملی مدرن را نادیده گرفت، باید نارساییهای آن را نیز پذیرفت و برای حل آنها چاره اندیشید.

حتی اگر ریشه‌کن کردن بی‌سوادی و فقر بتواند برخی از انگیزه‌های تندروی مذهبی یا سیاسی را از میان بردارد، این به معنای حل مسئله کاملاً بنیادی‌تر مذهبی و فرهنگی، یعنی مسئله هویت، اصالت، فرهنگ و ارزشهای هم‌ارز با آنها نیست. برای حل مسائل دشوار مذهب و مدرن‌گرایی، باید بنیادهای نظری و مفهومی کاملاً جدیدی را جستجو کرد.

■ آینده را چگونه می‌بینید؟

— مذهب و فرهنگ دو رکن اساسی هر تلاشی در راه توسعه است و در نتیجه، باید آنها را در نظر گرفت. باید آن دوگانگیها و قراردادهای گذشته (لاییک‌گرایی یا مذهب، مقدس یا نامقدس، سنت یا مدرن شدن) را کنار گذاشت. این امر مستلزم آن است که دولت‌ها، جامعه مدنی، کارشناسان توسعه و رهبران مذهبی در جستجوی عرصه‌هایی برای همکاری و درک متقابل باشند.

■ آیا فکر نمی‌کنید برخی از شکلهای بنیادگرایی مذهبی مبتنی بر نابردباری و خشک‌اندیشی کوتاه‌فکرانه را که تهدیدی جدی به‌شمار می‌آیند از قلم انداخته‌اید؟ — شکی نیست که افراط‌گرایی مذهبی تهدیدی جدی است. اما احیای گسترده مذهب و برپایی جنبشهای مذهبی پدیده‌ای جهانی و فراگیر است. و این امر ما را وامی‌دارد که به فکر شکلهای خاص چندگرایی در جامعه‌های جنوب باشیم. ■



اندیشه مذهبی قادر است خود را سازگاری دهد و اصلاح کند.

واو (۱۹۹۰). اثری با موم. کار توشی، هنرمند ژاپنی.